

صلاحیت‌های

حرفه‌ای هنرآموزان

۲. کمک‌های والدین به توسعه و تجهیز مدرسه‌ها که غیر قابل پیش‌بینی و لذا غیر قابل تکیه است؛
۳. کمک خیران؛
۴. کمک‌های بین‌المللی.

از طرف دیگر، میانگین دریافتی معلمان نسبت به سایر کارمندان پایین‌تر است. لذا در طول دوره، هنرآموزان ماهر کم‌کم به روش‌های متفاوت بازنشستگی و مانند آن از نظام آموزش و پرورش بیرون رفته‌اند و نیروهای جایگزین ماهر، به دلیل منابع مالی محدود، به نظام ورود نیافته‌اند. لذا رویکرد اصلی سند تحول، یعنی مهارت‌آموزی که باید مورد توجه قرار گیرد، در گرو تجهیزاتی و نیروی کار ماهری است که نظام باید مهارت او را ارزیابی و بهبود آن را تضمین کند؛ که اگر نکند و در بر هر پاشنه بچرخد:

.... ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش...

اگر معلم کارآمد و حرفه‌ای باشد، حتماً در شرایط نابسامانی و کمبود تجهیزات ایده‌های خود را پیاده می‌کند. لذا صلاحیت معلمان و شایستگی حرفه‌ای آنان که در اثر وجود منابع مالی مکفی در نظام آموزشی به وجود می‌آید، مهم‌ترین عنصر ایجاد مهارت در هنرجویان است.

به دلیل اهمیت خاص صلاحیت‌های معلمان و شایستگی حرفه‌ای، ویژه‌نامه‌ای خاص با عنوان «صلاحیت‌های حرفه‌ای هنرآموزان» منتشر کرده‌ایم که علاقه‌مندان را به مطالعه آن در نشانی دیجیتالی مجله «رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش»، همراه با سایر شماره‌های مجله، دعوت می‌کنیم. از نظرها و پیشنهادهایی که در مورد مقاله‌های مطالعه‌شده در همان نشانی و در خاتمه مطالعه برایمان می‌فرستید، بی‌شمار متشکریم. اظهار نظرهای شما راهنمای خوبی برای انتخاب مطالب آینده خواهند بود.

سر دبیر

پس از انقلاب اسلامی و در ابتدای آن، به دلیل درگیری کشور با شرایط جنگ و ترورها و مسائل گروهک‌ها، نظام تعلیم و تربیت در اولویت نبود و توجهی هم که صورت می‌گرفت، عمدتاً در رابطه با به کارگیری نیروی انسانی متعدد در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بود. این کم‌توجهی به تمام بخش‌های کشور به اقتضای شرایط جنگی که به دهه هفتاد کشیده شده بود باعث شد که باز هم نظام تعلیم و تربیت نتواند توجهی که شایسته آن است دریافت کند. در دهه‌های بعد هم با توجه به سازندگی، باز توسعه مدرسه‌ها در اولویت نبود و دانشگاه‌ها در اولویت قرار گرفتند. زیرا یکبارگی انفجاری از ورودی‌ها به دانشگاه شکل گرفت. دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شاهد توسعه دانشگاه‌ها بودیم و توسعه مدرسه‌ها همچنان مغفول ماند.

در این چهار دهه پس از انقلاب، توجه به زیرساخت‌های نظام تعلیم و تربیت متناسب با شأن تربیتی نظام و مسئولین جامعه نبود. برای اثبات این امر می‌توان از کاهش سهم آموزش و پرورش از درآمد کشور و تولید ناخالص نام برد و به همین علت است که مشارکت مردم و توسعه مدرسه‌های غیردولتی مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که ورود منابع مردمی به بخش آموزش هم منسجم و هماهنگ نیست. اگر بخواهیم نظام تعلیم و تربیت را مطابق سند تحول، و تمرکز بر مهارت‌آموزی توسعه دهیم، به منابع بسیار زیادی نیاز داریم. چرا که این منابع در طول زمان تأمین نشده و مطالبات معوق در گذر زمان بسیار حجیم شده‌اند و تأمین آن‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شده است.

فضا و تجهیزاتی که در سند تحول به آن‌ها پرداخته شده است، باید ما را از سمت مدرسه‌های کوچک به سمت مدرسه‌های متوسط و بزرگ حرکت دهد تا صرفه‌جویی در مقیاس، عاملی شود برای استفاده بهینه از تجهیزات و فضا. اما تحقق این امر نیازمند منابع مالی است و ما فقط چهار منبع مالی در اختیار داریم:

۱. منابع دولت که قلیل است؛